

مطالعه چگونگی نگرش دانشجویان به دین (مدلی بر اساس نظریه زمینه‌ای GT) مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان

میلاذ ناصری، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، ایران*

فرزانه کاوه، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، ایران

علی ربانی خوراسگانی، دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

چگونگی و میزان تأثیر دین در هر جامعه‌ای از یک سو به تعریف و نقش دین در زندگی افراد و از سوی دیگر به شرایط اجتماعی-فرهنگی آن جامعه بستگی دارد. در واقع می‌توان دین را هم امری فردی دانست که در باورهای افراد ریشه دوانیده و هم موضوعی اجتماعی قلمداد کرد که در هنجارها و ارزش‌های موجود در کنش‌های اجتماعی تبلور یافته است. لذا می‌توان استدلال کرد که تغییرات اجتماعی جوامع، نظیر نوسازی، بسط و گسترش تجدد، جهانی‌شدن، شهرنشینی، رشد فناوری، عقلانیت و ... بر مقوله دین تأثیری انکارناپذیر دارد. این پژوهش با هدف درک معنای مذهب در دو بعد اعتقادی و مناسکی در میان جوانان، به بررسی و مطالعه ۱۸ نفر از دانشجویان دانشگاه دولتی اصفهان پرداخته است. روش‌شناسی این مطالعه از نوع کیفی است و از روش نظریه زمینه‌ای برای انجام پژوهش استفاده شده است. تکنیک گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق نیمه ساخت یافته است و برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری آسان و نظری استفاده شد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که جوانان مشارکت‌کننده در بعد اعتقادات پایه‌ای دارای اعتقادات مورد تأیید و سفارش دین هستند اما در سایر ابعاد، در خصوص بعد مناسکی پاسخگویان به باز معنایی در این حوزه پرداخته و بر اساس درک و فهم خود حتی در صورت مغایرت با دین روش‌هایی را اتخاذ نموده‌اند. از دلایل این گسست در بستر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر می‌توان به ضعف محتوای کتب، ضعف کارشناسان دینی، ناسازگاری قول و عمل مدعیان مذهب، جو خانوادگی-محیطی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: دین، باز معنایی، مذهب، نظریه زمینه‌ای، اعتقادات، مناسک

مقدمه و بیان مسأله

دین در فرآیندی تعاملی با جامعه بر آن تأثیر می‌گذارد و از آن متأثر می‌شود و می‌توان آن را به‌عنوان بخش مهمی از فرهنگ و از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رفتار و کنش افراد در نظر گرفت؛ اما بسط و گسترش تجدد، جهانی‌شدن، شهرنشینی، رشد فناوری، عقلانیت و ... سبب شد تا شیوه تفکر بشر و نگاه او نسبت به خود، دنیا، دین و ارزش‌های مربوط به آن‌ها متحول شود. رگه‌هایی از این تحول سال‌ها پیش در آثار وبر پیش‌بینی شد، آن‌جا که از عقلانیت به‌عنوان هسته مرکزی دنیای جدید که تمام ابعاد زندگی بشر را فرا می‌گیرد، نام برد و ترس از افسون‌زدایی و خلأ دین را با ترسیم قفس آهنین، به تصویر کشید. درواقع عقلانیت به‌عنوان جان‌مایه مدرنیته پایه‌های یقین و قطعیت را به شدت سست کرده، زمینه را برای تفاوت دیدگاه‌ها فراهم می‌نماید.

دورکیم نیز دین را یک پدیده سراسر جمعی و ابزاری برای پیوند میان انسان‌ها می‌داند؛ اما همواره نگران این است که اگر این نیروی پیونددهنده در آستانه مرگ و نابودی افتد، بیماری جامعه نوین که همان گرایش به از هم گسیختگی است را چگونه می‌توان درمان کرد؟

پابندی به دین را در دو بخش کلی اعتقادی و رفتاری می‌توان ترسیم نمود. به بیان دیگر زمانی فردی را دیندار می‌دانیم که مسائل اعتقادی دین را پذیرفته و رفتار خود را متناسب با اعتقاداتش بنا نهد. بنابراین هر گونه خللی در هر یک از این دو بعد، دیگری را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

جامعه کنونی ما که از آن به‌عنوان جامعه‌ای در حال گذار یاد می‌شود و در چالش میان سنت و مدرنیته گرفتار آمده است، تحول و دگرگونی را در همه ابعادش به ویژه در حوزه ارزش‌های دینی تجربه می‌کند. نسل جوان جامعه ما که با افکار و اندیشه‌های دنیای مدرن بیگانه نیست، بیش از هر قشر دیگری در معرض این تلاطم و دگرگونی قرار دارد. مشاهده رگه‌هایی از دین‌گریزی در میان جوانان، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. نتایج اکثر پژوهش‌هایی که در بخش

پیشینه تحقیق ذکر شده، حاکی از این است که در بعد اعتقادی پابندی قوی و بالایی وجود دارد اما در بعد پابندی مناسکی دگرگونی‌هایی رخ داده است (توسلی و مرشدی، ۱۳۸۵؛ طالبان، ۱۳۷۹؛ آهنکوب‌نژاد، ۱۳۸۸؛ امیری و اصغرپور ماسوله، ۱۳۹۳).

ایرانیان از زمان پذیرش اسلام، مناسک دینی چون نماز و روزه را انجام می‌دادند و بعدها با پذیرش مذهب شیعه مراسم خاصی را که با اعتقادات شیعی همخوانی داشت به مجموعه هنجارها، ارزش‌ها، مراسم و مناسک متناسب با آن افزودند. از آن زمان تاکنون این مناسک با نوساناتی که ممکن است برای هر هنجار یا رفتار فرهنگی اتفاق بیفتد، در فرهنگ ایرانی جریان داشته و از نسلی به نسل دیگر منتقل گشته است.

علاوه بر قدمت، تداول، تنوع و وسعت مراسم و مناسک در نظام فرهنگی ما نیز به اندازه‌ای است که می‌توان گفت کم‌تر کنشی به اندازه کنش‌های دینی در نظام فرهنگی ما وسعت و تداول دارد. ثبات شکل و تکرار کنش‌های دینی از دیگر خصوصیات است که آن‌ها را به سنت‌های ماندگار فرهنگی تبدیل کرده است.

اما امروزه جوان به دنبال پاسخ پرسش‌هایی است که در حوزه مسائل دینی با آن مواجه شده اما از آن‌جا که پاسخی معقول و منطقی نمی‌یابد، شکاف عمیقی میان باورهای اعتقادی و رفتارهای مناسکی‌اش ایجاد می‌شود که فستینگر^۱ از این حالت باعنوان ناهماهنگی شناختی یاد می‌کند. ناسازگاری شناختی هنگامی رخ می‌دهد که بین رفتارها، شناخت‌ها، ایده‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌های مرتبط افراد درباره مسائل و موضوعات گوناگون ناسازگاری وجود داشته است. حالت دیگر ناسازگاری شناختی هنگامی است که بین این وجه نظرها و شناخت‌ها با رفتارها و کنش‌های افراد ناهماهنگی و تعارض ایجاد شود.

اما مسأله اینجاست که در یک جامعه اسلامی، چه عواملی سبب ایجاد شکاف میان اعتقادات و رفتارهای مذهبی شده و دین‌داری فرد را تهدید کرده است؟

^۱ Festinger

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش این است که دین‌داری را در دو بعد اعتقادی و مناسکی از نگاه جوانان بررسی کند. در واقع این پژوهش بر این اساس است که با اتخاذ رویکرد امیک^۱ و بدون رویکرد نظری و فرضیات ساخته شده بر مبنای آن (اتیک^۲)، در ژرفای این مسأله دخیل کرده و به بررسی علل و عواملی بپردازد که به ایجاد شکاف میان بعد اعتقادی و مناسکی بین جوانان منجر می‌شود. در وهله دوم، به مشاهده و بررسی روشی مبادرت می‌ورزد که جوان برای کاهش این ناسازگاری اتخاذ می‌کند و در نهایت در جستجوی راهی برای از میان برداشتن این مسائل در یک جامعه اسلامی است.

مروری بر پیشینه پژوهش

مباحث مربوط به دین و مذهب در ادبیات جامعه‌شناسی جایگاهی ویژه دارد و همواره برای پژوهشگران در کنار دیگر مسائل اجتماعی، دغدغه خاطر است. از این‌رو پژوهش‌های بسیاری در این حوزه به انجام رسیده است که در ذیل به بیان برخی از آن‌ها اکتفا کرده و به نقد و بررسی می‌پردازیم.

پژوهش‌های داخلی

• توسلی و مرشدی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی سطح دین‌داری و گرایش‌های دین‌داری دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه امیرکبیر» به تبیین وضعیت دین‌داری و گرایش‌های دینی در جوامع در حال گذار می‌پردازد. داده‌های تجربی در این مقاله حاکی از آن است که باورهای دینی دانشجویان در حد بالا و پایبندی به انجام مناسک دینی فردی در حد متوسط رو به بالایی است؛ اما پایبندی به انجام اعمال جمعی دینی در حد کم ارزیابی می‌شود. همچنین گرایش به دین خصوصی، برخوردار گزینشی با دین و گرایش به تکثرگرایی دینی رواج زیادی در بین دانشجویان دارد.

• سراج‌زاده (۱۳۷۵) در تحقیق با عنوان «بررسی رابطه دین‌داری و بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران»، آثار پایبندی به دین را بر گرایش به بزهکاری مطالعه کرده است. یافته‌های کلی تحقیق نشانگر التزام دینی نسبتاً بالای دانش‌آموزان مورد مطالعه است. همچنین در جامعه ایران به‌رغم کشورهای غربی گرایش‌های دینی طبقات پایین قوی‌تر از طبقات بالاست.

• طالبان (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی تجربی دین‌داری نوجوانان کشور» کوشش کرده است تا با ارزیابی قضاوت‌های ارائه شده در خصوص دین‌داری جوانان در سطح جامعه، میزان اعتبار علمی آن‌ها را بررسی کند. بر اساس یافته‌های تحقیق، بیش از ۹۰ درصد پاسخ‌گویان با گویه‌های اعتقادی و بیش از ۶۵ درصد، با گویه‌های بعد تجربی دین‌داری موافق هستند؛ اما در خصوص مناسک جمعی دینی، مشارکت افراد بسیار ضعیف ارزیابی شده است.

• نوابخش و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «میزان پایبندی مذهبی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار» به بررسی این مهم می‌پردازند. این تحقیق نشان می‌دهد که بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان و پایبندی مذهبی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. دانشجویان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا پایبندی کم‌تری به مذهب دارند. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دختران پایبندی بیشتری به مذهب دارند؛ اما بین گروه علمی دانشجویان و میزان پایبندی آنان به مذهب، رابطه معناداری مشاهده نشده است؛ یعنی آموزش‌های تحصیلی تأثیری در پایبندی به مذهب ندارد و هیچ تفاوتی بین دانشجویان گروه‌های مختلف علمی در دانشگاه وجود ندارد.

• آهنکوب‌نژاد (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «میزان پایبندی دینی جوانان شهر اهواز» به بررسی این مسأله پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان داد که دین‌داری جوانان شهر اهواز در ابعاد اعتقادی و عاطفی قوی‌تر، اما در ابعاد پیامدی و مناسکی ضعیف‌تر است و نزدیک به متوسط قرار دارند و نمره

¹ Emic

² Etic

مختلف انتخاب گردیدند. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که افراد بر اساس دین‌داری گزینشی، در هر موقعیتی که قرار می‌گیرند و با توجه به شرایط موجود ممکن است از قسمتی از دین که با آن موافق هستند، پیروی نمایند و بخش‌هایی از دین را که به اصطلاح مانع رسیدن آن‌ها به اهدافشان است، کنار می‌گذارند. از جمله پیامدهای این نوع از دین‌داری می‌توان به محوری شدن سلیقه فردی، از بین رفتن نقش اجتماعی و متحدکننده دین و توجه به کارآمدی بیشتر مادی اشاره کرد.

پژوهش‌های خارجی

- رالف هود^۱ (1980) در پژوهشی با عنوان «صور پابندی به مذهب و تجربه مذهبی عمیق»، به بیان اشکال مختلف پابندی به مذهب می‌پردازد. در این تحقیق ۵۴ نفر به سه گروه ۲۵ نفری (جهت‌گیری شخصی)، ۱۴ نفری (جهت‌گیری اجتماعی) و ۱۵ نفر (جهت‌گیری شخصی-اجتماعی) تقسیم شده‌اند و در هر گروه پابندی به مذهب به وسیله فن مصاحبه مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتیجه پژوهش را به این صورت می‌توان گزارش کرد: افرادی که جهت‌گیری شخصی نسبت به مذهب دارند، بیش از دو گروه دیگر، تجربیات مذهبی عمیقی به مثابه عرفان دارند. افرادی که جهت‌گیری اجتماعی به مذهب دارند، شاید مذهب را به علت کاربردی بودنش پذیرفته‌اند تا بر مبنای درک از عمق وجود و افرادی که جهت‌گیری بیرونی به مذهب دارند، احتمال کمتری دارد که تجارب مذهبی شخصی شدید نسبت به جهت‌یافتگان درونی گزارش کنند.

- جوشا و همکاران^۲ (2007) پژوهشی با عنوان «پابندی به مذهب و انرژی مثبت به‌عنوان بخشی از معناداری در زندگی» انجام دادند. آن‌ها در دو مطالعه نقش پابندی به مذهب را در ایجاد رابطه میان انرژی مثبت و معناداری به

کل دین‌داری جوانان نیز در حد بالاتر از متوسط و نزدیک به زیاد به دست آمد. در مجموع یافته‌های جانبی تحقیق نشان‌دهنده ارزیابی منفی روند موجود دین‌داری در جامعه و کاهش دین‌داری در بین جوانان است.

- نوربخش و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «رابطه متغیرهای دانشگاهی و نگرش دانشجویان به دین» به بررسی رابطه میان تعدادی از متغیرهای دانشگاهی و نگرش دانشجویان به دین پرداخته‌اند. این پژوهش که به شیوه پیمایشی انجام گرفته است، نشان می‌دهد میان نوع دانشگاه و نوع سکونت در زمان تحصیل و همه ابعاد نگرش به دین رابطه معنادار وجود دارد. در مقابل، رابطه معناداری میان نگرش به دین و رشته تحصیلی وجود ندارد. اما میان بعد رفتاری نگرش به دین و رشته تحصیلی رابطه وجود دارد. نمره بعد رفتاری نگرش به دین در میان دانشجویان علوم انسانی بالاتر از سایر رشته‌هاست.

- جمشیدپها و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی ارتباط کیفیت زندگی با تغییرات دینداری دانشجویان» به بررسی رابطه میان متغیرهای مذکور پرداختند. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان سه دانشگاه دولتی استان مازندران است. یافته‌ها نشان می‌دهد با افزایش و تحولات مثبت در وجوه و شاخص‌های کلی کیفیت زندگی خانواده‌های دانشجویان، بر میزان دینداری افزوده می‌شود. اما در بررسی رابطه ابعاد جزئی دو متغیر چنین رابطه‌ای دیده نمی‌شود. به‌طور خاص، رابطه کیفیت زندگی مادی در دو وضعیت خیلی عالی و خیلی ضعیف آن، با دینداری دانشجویان رابطه منفی را نشان می‌دهد.

- امیری و اصغرپور ماسوله (۱۳۹۳) در پژوهش «ظهور دینداری گزینشی در دختران جوان: یک بررسی کیفی در شهر مشهد» با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای و مصاحبه با جوانان دختر در شهر مشهد به فهم نوع دین‌داری در سبک زندگی ایشان پرداخته‌اند. بر این اساس نمونه‌گیری هدفمند و با ملاک اشباع نظری پنج نفر از دختران شهر مشهد از تیپ‌های

¹ Hood, Plaph

² Joshua et al.

دوران نوجوانی» به مطالعه یک نمونه ۳۹۰ نفری از نوجوانان پرداخت. در این پژوهش نوجوانان پرسشنامه‌ای شامل اطلاعات جمعیتی خانواده، پس زمینه مذهبی، باورها، عملکردها و تجارب، پرسش‌های وجودی و صمیمیت با خانواده و همسالان پر کردند. نتایج نشان می‌دهد تعلقات و اعمال مذهبی پدر و مادر با تمام جنبه‌های مذهبی در اوایل و اواسط نوجوانی فرزند رابطه مثبت دارد اما در اواخر دوره نوجوانی این رابطه تنها نسبت به عملکردها و کاهش تغییرات احتمالی در کالج است. صمیمیت خانواده با تغییرات در باورها و تعهدات مذهبی رابطه عکس دارد. شواهد حاکی از آن است که نفوذ همسالان، موجب شک مذهبی و تغییرات در ایمان می‌شود.

نقد و ارزیابی

در اکثر پژوهش‌های داخلی، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس روش‌های کمی و با استفاده از پرسشنامه است. در تحقیقات کمی عموماً نمی‌توان به عمق شناخت افراد دست یافت و لایه‌های پنهان معانی و ارزش‌های پاسخگویان را درک کرد؛ بنابراین می‌توان گفت که مشکل اکثر این پژوهش‌ها در سطح ماندن شناخت ما از مسأله مورد بررسی است چرا که رویکرد اتیک اساساً یک رویه اثباتی است و بر ویژگی ناظر بودن محقق بر امر مورد تحقیق و نگاه به آن از موضعی خارجی و واسطه‌مند تأکید دارد. در تحقیقات کمی همیشه به دنبال گزاره‌های علت و معلولی هستیم اما تحقیق کیفی به دنبال یک توصیف ضخیم با جزئیات خاص اما با درجه انتزاعی محدود درباره یک موقعیت یا میدان اجتماعی است تا بتواند به درک، معنا و بازنمایی در امر مورد مطالعه دست یابد.

مروری بر ادبیات نظری پژوهش

لازم به ذکر است که یکی از مناقشات پژوهش‌های کیفی و کمی، کاربرد نظریه است. در این پژوهش چارچوب نظری،

زندگی بررسی کردند. در مطالعه نخست، دین‌داری به‌عنوان واسطه‌ای برای ایجاد روابط میان تأثیر مثبتی که به‌طور طبیعی در زندگی اتفاق افتاده و سطح معناداری زندگی، کشف شده است. در نمونه دوم دین‌داری، به‌طور مشابهی تأثیرات روحیه تحریک شده را در معنا دهی به زندگی نشان می‌دهد. همبستگی محاسبه شده در نمونه ۱، نشان داده که همه متغیرها به‌طور معنادار و مثبتی همبستگی دارند.

• استرلینگ سی هیلتون، ژیلبرت دبلیو فیلینگم و ژوزف ال لیون^۱ در تحقیقی «رابطه میان میزان خودکشی و پایبندی به مذهب در نوجوانان پسر Utah» را مورد بررسی قرار دادند. این گزارش میزان خودکشی نوجوانان پسر را که در رده سنی ۱۵-۳۴ سال، بر اساس عضویت و پایبندی‌شان به کلیسای عیسی مسیح در روز مقدس طبقه‌بندی شده‌اند را بررسی می‌کند. همه اشکال مرگ گزارش شده برای نوجوانان پسر با گزارشات عدم رابطه با کلیسا، تطبیق داده شدند. نتیجه این پژوهش نشان می‌داد که سطوح بالای دین‌داری رابطه معکوسی با میزان خودکشی داشته است.

• پیلکینگتون و پاملا^۲ (1965) در پژوهشی باعنوان «تغییر در نگرش و رفتار مذهبی دانشجویان در رشته‌های مختلف» با استفاده از مقیاس نگرش مذهبی و پرسشنامه‌ای مربوط به رفتار و اعتقادات مذهبی به مطالعه یک نمونه ۱۰۶ نفری از دانشجویان در سال اول و سوم دانشگاه پرداختند. در چهار شاخص از هفت شاخص استفاده شده، کاهش معناداری مشاهده شد اما مقایسه میان پاسخ‌های دانشجویان دانشگاه و دانش‌آموزان کالج نشان می‌دهد که با آموزش دانشگاه قرار گرفتن، به خودی خود نمی‌تواند سبب این کاهش باشد. بنابراین این فرضیه که دانشگاه موجب تغییر نگرش و رفتار مذهبی دانشجویان می‌شود، رد می‌گردد.

• ویس اوزوراک^۳ (1989) در پژوهشی با عنوان «تأثیرات اجتماعی و شناختی بر توسعه باورها و تعهدات مذهبی در

¹ Sterling C. Hilton, Gilbert W. Fellingham, Joseph L. Lyon

² Pilkington & Pamela

³ Weiss Ozorak

آن هستند، ندارد. دلیل دوم این است که هنجارهای اجتماعی و مذهبی معمولاً در ابتدا، زمینه‌ای کارکردی دارند در واقع بسیاری از این هنجارهای مذهبی در ضرورت بقای خانواده‌اند و امروزه با ظهور دولت رفاه عمومی، حتی اگر خانواده هم تلاشی شود، نسل جدید می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. درست است که با از میان رفتن زمینه کارکردی هنجارهایی که خانواده را تقویت می‌کرده، ارزش‌های جامعه به سرعت تغییر نمی‌کند، اما راه برای سست شدن آن هنجار هموار می‌گردد (اینگلهارت، ۱۳۸۲:۲۰۳-۲۰۲).

دلیل سوم برای افول جهان‌بینی سنتی نیز، مسأله هماهنگی شناختی است. مردم در پی آن هستند که جهان‌بینی‌شان با تجربه روزانه‌شان همسان گردد. از این‌رو در جامعه صنعتی که کارخانه مرکز تلاش تولیدی است، مفهوم خدا به منزله ساعت‌ساز بزرگی است که جامعه را خلق کرده و سپس آن را ترک نموده، به حال خویش واگذاشته تا مستقل عمل کند. از این‌رو هرچه بر کنترل بشر به محیط افزوده گردید، نقشی که به خدا نسبت داده شد، تضعیف گردید (اینگلهارت، ۱۳۸۲:۲۰۴). زوال ظاهری هنجارهای اجتماعی و مذهبی سنتی، با تحول از ارزش‌های مادی به فرا مادی، در ارتباط است. تحول به سوی فرا مادیگری و افول اشکال سنتی مذهب، دو اتفاق همراه هستند زیرا هر دو یک علت مشترک دارند: سطح بی سابقه امنیت فردی در جامعه پیشرفته صنعتی معاصر (اینگلهارت، ۱۳۸۲:۲۳۴).

نظریه آلپورت

تقسیم‌بندی آلپورت در خصوص جهت‌گیری مذهبی فرد توانسته است توجه زیادی را طی سالیان اخیر به خود معطوف دارد و در مطالعاتی که عامل مذهب مورد توجه روان‌شناسان است به عنوان یک نظریه کارآمد مورد استفاده قرار گیرد. آلپورت برحسب جهت‌گیری دینی افراد، آن‌ها را با دو جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی تقسیم‌بندی می‌کند.

آن‌گونه که در روش‌های کمی مرسوم است، وجود ندارد. در این نوع پژوهش‌ها (کیفی)، نظریه‌ها تنها نقش هدایت‌گر یا مکمل را خواهند داشت. گرچه پژوهشگر کار خود را با چارچوب نظری آغاز نمی‌کند اما این هرگز بدان معنا نیست که محقق فارغ از هرگونه جهت‌گیری نظری قدم درراه پژوهش گذاشته است. اندوخته‌های نظری خواه‌ناخواه بر مشاهدات و ملاحظات پژوهشگر تأثیرگذار است.

نظریه اینگلهارت^۱

اینگلهارت، پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت از نسلی به نسل دیگر، به آرامی به تغییری طولانی از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرا مادی منجر می‌شود (Inglehart et al., 1994:337). وی ارزش‌ها را به دو دسته مادی و فرا مادی تقسیم می‌کند. خیزش فرا مادیگری اگرچه گسترده است لیکن تنها یک جنبه از فراگرد وسیع‌تر دگرگونی فرهنگی‌ای است که به جهان‌بینی سیاسی، گرایش‌های مذهبی، نقش‌های مبنی بر جنسیت و هنجارهای جنسی در جامعه پیشرفته صنعتی شکل نوینی بخشیده است. این دگرگونی‌ها در ارتباط با یک نیاز مشترک‌اند: نیاز به احساس امنیت که مذهب و هنجارهای فرهنگی مطلق، به طریق سنتی آن را تأمین می‌کرده‌اند (اینگلهارت، ۲۰۱۱:۱۳۸۲).

از نظر اینگلهارت، سه دلیل اساسی برای افول هنجارهای مذهبی و هنجارهای جنسی سنتی در جوامع پیشرفته صنعتی وجود دارد. اولین علت آن، افزایش احساس امنیت است که نیاز به هنجارهای مطلق را کم‌رنگ می‌کند. افراد تحت فشارهای روانی نیاز به مقررات قابل پیش‌بینی و خشک دارند که از آن‌چه روی می‌دهد، اطمینان حاصل کنند زیرا در خطر هستند؛ اما فرا مادیون بازتاب پدیده معکوسی هستند: در اوضاع نسبتاً امن و بی‌خطر، شخص می‌تواند تنوع و اختلاف بیشتری را تحمل کند، لذا فرد نیازی به امنیت حاصل از مقررات خشک و مطلق که بازدارنده‌های دینی قادر به تأمین

¹ Inglehart

نظریه ناهماهنگی شناختی

نظریه فستینگر مشهورترین الگوی همسانی شناختی و شاید تأثیرگذارترین نظریه در روان‌شناسی اجتماعی است. نقطه شروع مهم برای فستینگر مشاهده این وضعیت در زندگی روزمره است که ما اغلب در وضعیتی قرار می‌گیریم که طبق نگرش‌های خود عمل نمی‌کنیم بلکه هماهنگ با الزامات نقش خود و یا هماهنگ با زمینه اجتماعی عمل می‌کنیم.

طبق نظریه ناهماهنگی، شناخت‌های یک فرد (افکار، باورها، نگرش‌ها) ممکن است هماهنگ یا ناهماهنگ است. داشتن شناخت‌های ناهماهنگ سبب ناهماهنگی شناختی می‌گردد که حالت ناخوشایندی از برانگیختگی است که فرد را به کاهش ناهماهنگی برمی‌انگیزد. فرد باید برای توجیه تغییر در رفتار خود، نگرش خویش را تغییر دهد. روی هم‌رفته ناسازگاری شناختی کوشش فرد است در راستای این‌که ناهمسازی بین دو یا چند اندیشه یا ایده را کاهش دهد. ناسازگاری شناختی هنگامی رخ می‌دهد که بین رفتارها، شناخت‌ها، ایده‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌های مرتبط افراد درباره مسائل و موضوعات گوناگون ناسازگاری وجود داشته است. حالت دیگر ناسازگاری شناختی هنگامی است که بین این وجه نظرها و شناخت‌ها با رفتارها و کنش‌های افراد ناسازگاری و تعارض ایجاد شود.

نظریه ناسازگاری شناختی بر این پیش‌فرض استوار است که شناخت‌های گوناگون در مورد یک موضوع ممکن است به حالتی از ناهماهنگی و ناسازگاری در فرد منتهی شود. هنگامی که فرد در معرض دو شناخت گوناگون و بعضاً ناسازگار قرار می‌گیرد، برانگیخته می‌شود که یکی از این دو را گزینش و مزایای آن را برجسته کرده و دیگری را رها سازد. (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۱)

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به این‌که هدف این تحقیق بازسازی معنایی جهت‌گیری مذهبی است لذا برای رسیدن به این مقصود، در

از نظر آلپورت افراد مذهبی با جهت‌گیری درونی ضمن درونی‌سازی ارزش‌های دینی، مذهب را به مثابه هدف در نظر می‌گیرند. درحالی‌که افراد با جهت‌گیری بیرونی، دین را صرفاً وسیله‌ای برای نیل به اهداف دیگر در نظر می‌گیرند. اخیراً نظریه آلپورت در زمینه جهت‌گیری دینی بیرونی به دو مقوله اجتماعی و شخصی بسط یافته است. طبق این تقسیم‌بندی افراد دارای جهت‌گیری دینی بیرونی اجتماعی از مذهب جهت نیل به اهداف اجتماعی سود می‌جویند، در حالی که در جهت‌گیری مذهبی بیرونی شخصی افراد از مذهب جهت کسب امنیت فردی استفاده می‌کنند (Fulton, 1997: 61).

وی بر این باور است که در نظام ارزش‌های مذهبی، ارزش‌های دینی، بالاترین، مقدم‌ترین و ضروری‌ترین ارزش‌ها هستند. هدف اصلی فرد در زندگی این است که زندگی‌اش را به شیوه‌ای عملی کند که با باورهای دینی‌اش متحد و سازگار است فرد به دنبال وحدت ارزش‌ها، ارتباط خود با جهان به‌عنوان یک کل و نیل به سعادت اخروی است (Hurka, 1980: 85). آلپورت معتقد است که نظام ارزش دینی، به‌تنهایی قادر است شخصیت را سازمان‌دهی کند. به عقیده آلپورت، همه این نظام‌های ارزشی کلی به‌صورت مساوی قادر به یکپارچه‌سازی شخصیت نیستند. وی بر این باور است که نظام ارزشی دینی تنها نظامی است که می‌تواند به‌صورت کامل و مستمر به شخصیت، وحدت و یکپارچگی ببخشد؛ زیرا از یک‌سو، دین با تمام جنبه‌های زندگی انسان سر و کار داشته، در هر بخشی از زندگی، حرفی برای گفتن دارد. دین می‌تواند فرد را در تمام تعاملاتش با دنیا، در تمام جنبه‌ها راهنمایی و یاری کند. در بین تمام نظام‌های ارزشی، فقط نظام ارزشی دینی می‌تواند در تمام جنبه‌ها و در تمام زندگی راهنمای انسان است. از سوی دیگر، دین پدیده‌ای است که با عالم بالا؛ یعنی عالم غیر مادی نامحدود فوق طبیعی، مرتبط است. نظام ارزشی دینی ساخته دست بشر نیست، اما سایر نظام‌های ارزشی دیگر ساخته و پرداخته دست بشر هستند (میردریگوندی، ۱۳۸۲: ۸۰-۷۹).

پژوهش حاضر کاربرد روش تحقیق کیفی مناسب‌تر تشخیص داده شد. پژوهشگر به صورت مرحله‌ای از روش‌های مختلف کیفی برای نیل به اهداف تحقیق، بهره برده است. به این ترتیب که در مرحله گردآوری داده‌ها از روش مطالعه محوری با فن مصاحبه عمیق و در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است.

مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری

مشارکت‌کنندگان این مطالعه را هجده نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه دولتی اصفهان تشکیل داده‌اند. از مزایای انتخاب دانشگاه به عنوان میدان پژوهش این است که محیط‌هایی مانند دانشگاه، «انبارهایی» سهل‌الوصول برای دسترسی به نمونه‌ها است. افزون بر آن این میدان پژوهش مملو از نسل جدید است که با موضوع مورد بررسی تناسب بسیار دارد. تنوع افکار و عقاید، بستر قومی و فرهنگی گوناگون، دسترسی به تحولات روز علوم و پویایی محیط از خصایص ممتاز این بستر است.

نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی شامل چند نوع است که بر اساس ماهیت موضوع پژوهش و بررسی انواع نمونه‌گیری، برای این مطالعه نمونه‌گیری آسان و داوطلبانه به عنوان بهترین روش مشخص شد:

نمونه‌گیری آسان مبتنی بر انتخاب موارد یا افرادی است که در دسترس است، داوطلب بوده و به سادگی می‌توانند در نمونه وارد شوند. دو نوع نمونه‌گیری آسان وجود دارد که عبارت‌اند از: نمونه‌گیری حبسی و نمونه‌گیری داوطلبانه:

الف) نمونه‌گیری حبسی: نوعی نمونه‌گیری آسان از یک محیط خاص است که محقق ممکن است آن را برای مشارکت‌کنندگان چندان دشوار نبیند. ب) نمونه‌گیری داوطلبانه: نمونه‌گیری آسان است که در آن افراد از روی تمایل در یک مطالعه شرکت می‌کنند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۲). برای اطمینان از روش نمونه‌گیری و صحت داده‌های به دست آمده در کنار این روش از شیوه نمونه‌گیری نظری نیز استفاده شد تا

به اشباع نظری رسید. نمونه‌گیری نظری به معنای آن است که نمونه‌گیری بیش از آن که پیش از پژوهش مشخص شود، در جریان پژوهش شکل می‌گیرد و مبتنی بر مفاهیمی است که از داده‌ها بیرون آمده‌اند (Corbin Juliet & Anselm Strauss, 2008:143). این‌ها مفاهیمی‌اند که: الف) مکرراً در جریان تحلیل پدیدار می‌شوند؛ ب) به صورت شرایطی عمل می‌کنند که صورت‌های گوناگون یا واریاسیون‌های یک مقوله عمده را ایجاد می‌کنند. هدف از نمونه‌گیری نظری به حداکثر رساندن امکان مقایسه رویدادها و موردهاست تا تعیین کنیم چگونه یک مقوله از لحاظ ویژگی‌ها و ابعادش تغییر می‌کند (استروس و کوربین، ۱۳۸۹: ۲۲۰). در نهایت با استفاده از معیار اشباع نظری در مورد تعداد نمونه‌ها تصمیم‌گیری شد و با شروع اولین مصاحبه، اقدام به استخراج مفاهیم و تحولات شد و پس از ۱۴ مصاحبه، اشباع نظری حاصل گردید اما برای اطمینان از یافته‌ها، مصاحبه تا ۱۸ مورد ادامه یافت و سپس انجام مصاحبه پایان یافت.

فنون گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش برای گردآوری داده‌های تحقیق از مصاحبه پژوهشی استفاده شده است.

نوع مصاحبه‌های انجام گرفته، مصاحبه‌های عمیق یا نیمه سازمان یافته است که اجازه می‌دهد تغییرات آزاد بیشتری بین مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده صورت گیرد و برای آشکارسازی یک موضوع، گفتگو در جزئیات و ساختن تئوری مفید است (استربرگ، ۱۳۸۴: ۱۰۷).

در این پژوهش برای تحلیل داده‌های به دست آمده ابتدا داده‌ها کدگذاری شده و سپس با استفاده از نظریه زمینه‌ای تحلیل شدند.

کدگذاری نظری شیوه‌ای برای تحلیل اطلاعاتی است که به منظور تدوین نظریه زمینه‌ای جمع‌آوری شده است (فلیک، ۱۳۸۷: ۲۲۴). کدگذاری نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خرد می‌شوند، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آن‌گاه به روش‌های

انعطاف‌پذیر می‌سازد. نظریه زمینه‌ای یک نظریه مسأله_محور است و بر ارتباط دادن مراحل و گام‌هایی استوار است که به تعیین ساختار نظری مسأله کمک می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۷۷).

در فرآیند ساخت نظریه زمینه‌ای داده‌های گردآوری شده در سه مرحله کدبندی شده و به هم متصل می‌شوند که عبارت‌اند از کدبندی باز، کدبندی محوری و کدبندی گزینشی یا انتخابی. در مرحله اول یا کدگذاری باز، محقق به بررسی متن جهت یافتن مفاهیم مکنون در اطلاعات می‌پردازد. با استفاده از رهیافت مقایسه‌ای ثابت، محقق تلاش می‌کند مفاهیم را اشباع سازد. کدبندی باز در این مقاله به صورت سطر به سطر انجام شده است. زمانی که مجموعه‌ای از مفاهیم اولیه استخراج شدند، مفاهیم مشترک بر اساس مقایسه‌های ثابت (تشابهات و تفاوت‌ها) در قالب مقوله‌های عمده دسته‌بندی می‌شوند. این فرآیند را کدگذاری باز متمرکز می‌خوانند. سپس مقوله‌های عمده بر اساس ابعاد شرایطی، تعاملی/فرایندی و پیامدی دسته‌بندی شده و در یک خط داستان به یکدیگر مرتبط شده و به نگارش در می‌آیند. خط داستان باید مقوله‌های عمده را به صورت منطقی و تحلیل به دنبال هم فهرست‌وار توضیح داده و هرکدام را در ارتباط با دیگری و سپس در ارتباط با کل قرار دهد. به این مرحله کدبندی محوری گفته می‌شود. کدبندی محوری به تنظیم تحلیلی و منطقی داده‌ها کمک کرده و زمینه را برای کدگذاری گزینشی و استخراج مقوله هسته فراهم می‌سازد. بعد از اتمام خط داستان مقوله‌ای با عنوان مقوله محوری یا هسته استخراج می‌شود. در این مرحله محقق شرایطی را که بر این پدیده مرکزی تأثیر می‌گذارد، استراتژی‌های عنوان شده در پدیده، بستر و شرایط متداخل‌کننده‌ای که این شرایط را شکل می‌دهند و پیامدهای انجام این استراتژی‌ها را در قالب یک مدل نظری سه‌بعدی ترسیم می‌کند. این مرحله را کدگذاری گزینشی می‌نامند. در این گام محقق یک مدل نظری می‌سازد که روابط متقابل بین مقوله‌های محوری را نشان می‌دهد.

جدید، دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند. بلیکی این نوع کدگذاری را به عنوان فرآیند چرخه‌ای یا حلزونی فرمول‌بندی می‌کند که در برگیرنده سه نوع فعالیت است: توصیف، طبقه‌بندی و اتصال. در گام اول باید توصیف‌های فربه یا جامع از پدیده مورد مطالعه به عمل آید. توصیف تکیده فقط وقایع را بیان می‌کند، درحالی‌که توصیف فربه زمینه کنش، مقاصد کنش‌گران اجتماعی و فرآیندهای حفظ ثبات و استمرار یا تغییر کنش اجتماعی و کنش متقابل اجتماعی را نیز شامل می‌شود. در مرحله بعدی این فرآیند، یعنی مرحله طبقه‌بندی از طریق ایجاد و ابداع مقوله‌ها، اطلاق مقوله‌ها به داده‌ها و تجزیه و ترکیب مقوله‌ها حاصل می‌شود. سومین بخش این فرآیند عبارت است از پیوند دادن مقوله‌ها به یکدیگر. هدف اصلی این است که نظم‌های متوالی و تکراری، گوناگون و موارد منفرد در داده‌ها کشف شود و بدین ترتیب نقطه آغازی برای برساختن نظریه فراهم آید (بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۱-۳۱۰).

برای تحلیل داده‌های به دست آمده ابتدا داده‌ها کدگذاری شده و سپس با استفاده از نظریه زمینه‌ای تحلیل شدند.

رویه نظریه مبنایی (زمینه‌ای) یک روش تحقیق کیفی است که یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبنی بر استقرار درباره پدیده‌ای ایجاد کند (استروس و کوربین، ۱۳۸۹: ۲۳).

نظریه زمینه‌ای نخستین بار به وسیله گلاسر و استروس^۱ (۱۹۶۷) در کتاب کشف نظریه زمینه‌ای مطرح شد. این نظریه برخلاف عنوان ظاهری آن روشی است برای تولید نظریه در حوزه‌هایی که دستیابی به آن از طریق رویه‌های کمی اثباتی دشوار است. طبق نظر گلاسر داده‌های مورد استفاده در نظریه زمینه‌ای باید تجربه‌ای هستند؛ به این معنا که محقق شخصاً به صورت عینی و تجربی درگیر عملیات گردآوری و تحلیل اطلاعات است. ماهیت استقرایی این نظریه سبب خلاقیت و آزادی عمل محقق شده و فرآیند پژوهش را بسیار

^۱ Glaser and Strauss

قابلیت اعتماد

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد^۱ (معادل اعتبار و روایی در تحقیقات کمی)، از سه تکنیک متعارف و بسیار مرسوم استفاده به عمل آمد که عبارتند از:

اول: کنترل یا اعتباریابی توسط اعضاء^۲: در این روش، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن نظر دهند.

دوم: مقایسه تحلیلی^۳: در این روش، به داده‌های خام رجوع گردید تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد.

سوم: استفاده از تکنیک ممیزی^۴: در این زمینه، چند متخصص در کار نظریه زمینه‌ای، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند (بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

یافته‌ها

مسأله اصلی این پژوهش، بررسی جهت‌گیری مصاحبه‌شوندگان در ابعاد اعتقادی و مناسکی دین است. در این مقاله کوشش شده است که معانی ذهنی و کنش‌های مذهبی دانشجویان مورد مطالعه و کنکاش قرار گیرد. آیا جوان جامعه ما به میزان باورها و اعتقاداتش، به مناسک نیز پایبند است؟ به عبارت دیگر آیا بین بعد شناختی و رفتاری وی ناسازگاری شناختی وجود ندارد؟

در این پژوهش مشارکت‌کنندگان دختر و پسر در رشته‌های متنوع علوم انسانی، فنی مهندسی و علوم پایه، در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و در دامنه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال حضور داشتند.

در مرحله کدبندی باز، با مطالعه و مرور مکرر متن مصاحبه‌ها مفاهیم و کدهای اولیه آشکار شدند و سپس مقولات عمده مبتنی بر آنها، شناسایی شده، خصیصه‌ها و

ابعادشان در داده‌ها کشف می‌شوند. بنابراین ۱۸ مفهوم (کد اولیه یا زیر مقوله) انتخاب شدند که در نهایت این مفاهیم در قالب ۷ مقوله عمده (کد متمرکز) جای گرفتند. در مقولات عمده تلاش بر آن است که متناسب با خصیصه و ابعاد زیر مقوله‌های نوزده‌گانه دسته‌بندی داده شود که بتواند تمایزی آشکار در میان مقوله‌ها ایجاد کند. از این رو زیر مقوله‌هایی که اشاره به اعتقادات ریشه‌ای و اساسی داشت در مقوله اعتقادات پایه‌ای جای گرفتند. زیر مقوله‌هایی که بر باور و اعتقاد به اعمال و رفتارهای دینی تأکید داشتند در مقوله‌ای با نام اعتقادات مناسکی دسته‌بندی شدند. با تعمق در میان زیر مقوله‌ها، به عواملی که موجب دوگانگی و تضاد در اعتقادات و رفتار شده‌اند، دست یافتیم که از آنها به عنوان عناصر اصلی و فرعی ایجاد ناهماهنگی یاد شده است، مقوله آداب و احکام اشاره به بعد عملی چهار مناسک نماز خواندن، روزه گرفتن، تقلید و دعا کردن دارد و این که افراد تا چه حد بر این مناسک مقید و پایبند هستند. یکی از رفتارهای اخلاقی شایع مانند دروغ گفتن را نیز در دو بعد اعتقادات اخلاقی - که اشاره به باور افراد در خصوص دروغ دارد- و مقوله رفتارهای اخلاقی - که دال بر میزان پایبندی به این اعتقاد است- قرار دادیم.

در مرحله بعد؛ یعنی کدگذاری محوری، سعی بر آن است تا براساس ارتباط میان خصیصه‌ها و ابعاد مقوله‌ها، در حول محوری قرار بگیرند. بنابراین اعتقادات نظری و باورها در کد محوری بعد نگرشی، بعد عملی مناسک در کد محوری بعد رفتاری و در نهایت عواملی که مسبب این شکاف هستند در کد محوری شرایط زمینه‌ای و مداخله کننده دسته‌بندی شدند. در آخرین مرحله، یکپارچه سازی و پالایش مقوله‌ها به استخراج یک مقوله هسته‌ای منجر شد که مقوله اساسی تحقیق را شامل می‌شود. مقوله هسته‌ای این بررسی «باز معنایی مذهب» است.

در جدول ۱ زیر کدبندی اولیه، کدبندی متمرکز، کدگذاری محوری و مقوله هسته‌ای که در خلال تحلیل

¹ Trust Worthiness

² Member Check

³ Analytical Comparison

⁴ Auditing

مصاحبه‌ها استخراج شدند، ارائه می‌شود. لازم به ذکر است که در این تحقیق، بر اساس روش نظریه زمینه‌ای واحد تحلیل، فرد نیست؛ بلکه مفاهیمی هستند که در جریان نمونه‌گیری نظری و مبتنی بر نمونه‌گیری آسان از افراد مورد مصاحبه به اشباع نظری رسیده‌اند.

جدول ۱- کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی یافته‌های تحقیق

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	
		مقوله‌های عمده (کدبندی متمرکز)	مفاهیم (کدبندی اولیه)
باز معنایی مذهبی	بعد نگرشی	اعتقادات پایه‌ای	- اعتقاد به خدا - پذیرفتن معاد - باور به امامت - معتقد بودن به نماز - مقید بودن به روزه - پذیرش مسأله تقلید - اعتقاد داشتن به دعا
		اعتقادات مناسکی	- نگرش به دروغ
		اعتقادات اخلاقی	- رفتار کارشناسان و مبلغان امور دینی - ضعف محتوایی کتب دینی و آموزش نادرست
		عوامل اصلی ایجاد ناهماهنگی	- اجبار بیرونی - پای‌بندی ناقص دیگران - جو خانوادگی - خواندن نماز - روزه گرفتن - تقلید کردن - دعا کردن
	شرایط زمینه‌ای	عوامل فرعی ایجاد ناهماهنگی	- دروغ گفتن
	شرایط مداخله‌گر	آداب و احکام	
	بعد رفتاری	رفتارهای اخلاقی	

یافته‌های عمده

مقولات عمده‌ای که در این بررسی مورد استخراج قرار گرفت در زیر به‌طور اختصار معرفی می‌گردد:

بعد نگرشی

بعد نگرشی، کد محوری است که نگرش‌ها و باورهای فرد را نسبت به مسائل اعتقادی بیان می‌کند. این کد در سطح شامل اعتقادات پایه‌ای، اعتقادات مناسکی و اعتقادات اخلاقی است؛ که هر یک به تفصیل توضیح داده می‌شوند:

اعتقادات پایه‌ای

منظور از اعتقادات پایه‌ای، باورهایی پیرامون ابعاد اصلی دین‌داری و اعتقادات مذهبی افراد است که انتظار می‌رود پیروان یک دین به آن‌ها عمیقاً ایمان داشته است. به عبارت دیگر در این مقوله، سنگ بنای اعتقادات مذهبی افراد مورد کنکاش قرار گرفته است. اعتقاداتی مانند اعتقاد به خدا، پذیرفتن معاد و باور به امامت (در این تحقیق امامت زمان (عج)) که در دین اسلام به عنوان اصول دین از آن یاد شده است. همه مشارکت‌کنندگان به این موارد اعتقاد داشته و آن را

پذیرفته‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«همه چیزم خدا هست و در روز ساعت‌ها با خدا حرف می‌زنم.»

یا شرکت‌کننده دیگری بیان می‌دارد:

«حضور خدا و قدرت برتر خدا رو توی زندگیم حس می‌کنم»

دانشجوی دیگری در این زمینه این‌گونه اظهار نظر می‌کند:

«خدا برای من خیلی گسترده هست و از این بابت که بنده‌اش رو رها نمی‌کنه اطمینان دارم.»

حتی شرکت‌کننده دیگری که سعی می‌کرد همه مسائل را با بعد عقلانی و علم‌گرایی بررسی کند می‌گوید:

«هیچ وقت نتونستم خدا رو کامل از زندگیم بذارمش کنار. برای هر کدام از اعتقاداتم تونستم مورد نقضی پیدا کنم اما برای خدا نتونستم. مثلاً این‌که کل جهان برام ناآگاهانه آفریده شده باشه رو نمی‌تونم بپذیرم.»

مشارکت‌کنندگان نه فقط به خدا باور داشتند بلکه اذعان می‌کردند که با کنار گذاشتن خدا در زندگی دچار آسیب‌هایی می‌شوند از جمله شرکت‌کننده‌ای می‌گوید:

«اگه نباشه زندگیم کاملاً نابود شده است و به سرگردانی و حیرت می‌رسم.»

در باب اعتقاد به مسأله معاد مشارکت‌کنندگان ضمن اذعان به باور داشت به آن به ذکر پیامدهای اعتقاد به معاد در زندگی خود می‌پرداختند، پاسخگویی بیان می‌کند که :

«باور به معاد دارم، به نظرم یک کنش و واکنشی است توی این عالم، کوچک‌ترین کار اونجا باهاش برخورد میشه، چون اگه غیر این باشه بی‌نظمی، بی‌هنجاری، بی‌قانونی و پوچی همه زندگی رو می‌گیره، پس باید باشه به چنین نظامندی، وقتی به زندگی این چنین قانونمند پس همه چیز قانونمند یا مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید:

«این‌که جهان دیگه‌ای هست واقعیت داره، لازمه این زندگی اینه که هر کسی که اینجا کاری کرده اونجا نتیجه‌اش رو می‌بینه. اگه جهان دیگه‌ای نباشه؛ یعنی هیچ، الکی به دنیا اومدیم. فقط اومدیم زندگی کنیم و

بعد بمیریم. باید نتیجه‌ای بگیریم از کارمون».

اعتقادات مناسکی

اعتقادات مناسکی، کد تفسیری است که اشاره به اعتقاد و نگرش افراد نسبت به مناسکی که دین آن را ملزم کرده دارد، در واقع هدف، دانستن لایه‌های پنهانی و درونی ذهن افراد درباره مناسکی چون نماز، روزه، دعا کردن و تقلید است. این کد شامل زیر کدهای تفسیری معتقد بودن به نماز، مقید بودن به روزه، پذیرش مسأله تقلید و اعتقاد داشتن به دعا است. در همه این موارد می‌وان پاسخگویان را به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ای که به این مناسک اعتقاد و باور تام داشتند و کسانی که به دیده شک و تردید درباره آن حرف می‌زدند و یا به گونه رایج آن را انکار می‌کردند.

در دسته اول می‌توان به این موارد اشاره کرد: درباره اعتقاد به نماز پاسخگویی بیان می‌کرد:

«یکی از مراقبه‌های واقعی، جزئی‌ترین و یا شاید کلی‌ترین و مهم‌ترین اون‌ها نمازه، که به درون خودت بری، به خودت نگاه کنی.»

و یا مشارکت‌کننده دیگری که اذعان می‌کرد:

«آدم وقتی به نفر رو دوست داره به سری قاعده‌هایی که اون دوست داره رو باید رعایت کنه.»

مشارکت‌کننده دیگری نیز در این باره این‌گونه اظهار عقیده می‌کرد:

«نماز چیزی نیست که کسی از خودش گفته باشه وقتی تو قرآن اومده، آدم اگه خدا رو واقعا دوست داره باید انجامش بده.»

پاسخگوی دیگری درباره اعتقاد به روزه می‌گوید:

«حال روزه بودن رو دوست دارم، به خاطر تقوا، جواب دادن روز قیامت و خودسازی باید روزه گرفت.»

یکی از پاسخگویان درباره دعا بیان می‌دارد که :

«با دعا آرامش می‌گیرم و اگه نباشه احساس خلاء می‌کنم.»

شرکت‌کننده دیگری اعتقاد خود به تقلید را این گونه اظهار می‌کند:

«رساله نگاه می‌کنم، یا اگه بلد نباشم زنگ ببه دفتر مرجع می‌زنم یا می‌پرسم».

یکی از دانشجویان اهل تسنن نیز در این زمینه می‌گوید:

«با وجودی که سنی‌ام اما سوالات دینی خودمونو با آخوندها و روحانیونی که داریم درمیان می‌ذاریم یا از امام شافعی پیروی می‌کنم».

در این قسمت اشاره مختصری می‌شود به نظر پاسخگویانی که اعتقادی به مناسک ندارند:

شرکت‌کننده‌ای درباره نماز می‌گوید:

«نماز نمی‌خونم، قبلاً اعتقاد داشتم ولی الان نه. چون یه سری رفتار از افراد نمازخون دیدم به این خاطر انجام نمی‌دم، دیگه از نماز زده شدم».

دیگری این طور بی‌اعتقادی خود را نسبت به نماز بیان

می‌دارد:

«خیلی وقته نماز نمی‌خونم، درباره‌اش شک دارم، به این که نماز به درد انسان می‌خوره شک دارم، حتی این که نماز واجبه هم شک دارم».

و یا دانشجوی دیگری که بی‌اعتقادی خود را در قالب

این کلمات ابراز می‌کرد:

«اصلاً کاری به این مناسک ندارم چون دیدم کسایی که خدا رو عمیقاً قبول داشتن، تو زندگی شون هم عمل می‌کردن و نماز هم نمی‌خوندن».

در خصوص اعتقاد به تقلید، متأسفانه اکثر پاسخگویان به

این مسأله اعتقادی نداشتند. پاسخگویی نظرش درباره تقلید

چنین است:

«حکم تقلید رو به خاطر بار آوردن روحیه تقلید گونه و مقلد شدن مردم قبول ندارم. این سبب شده اهل تحقیق نباشیم و روحیه تقلید گونه ما رو بیشتر کنه»

شرکت‌کننده دیگری می‌گوید:

«خوب نیست، البته نمی‌گم نباید مشورت کرد اما تنها راه مشورت هم رجوع به رساله نیست، یکیش

رجوع به عقل خود انسان است»

دیگری در این زمینه می‌گوید:

«اگه اختلاف نظری بین نظر خودم و مرجع تقلیدم باشه من کار خودمو عمل به نظر خودم می‌کنم».

و یا دانشجوی دیگری که بیان می‌کند:

«به نظر من امروز آدمای خیلی چیزا رو خودشون می‌تونن تشخیص بدن».

همچنین شرکت‌کننده دیگری در این زمینه می‌گوید:

«دوست ندارم آدم تک منبعی باشم، دوست دارم آدم چند منبعی باشم؛ یعنی ویژگی که روشنفکرها دارن که از یه زاویه به قضیه نگاه نمی‌کنن و گم نمی‌شن».

اعتقادات اخلاقی

این مقوله به اعتقاد به رفتارهای اخلاقی اشاره دارد که در واقع مسأله‌ای فرا دینی است؛ یعنی به اصول اخلاقی که مسأله‌ای فردی است توجه دارد. قابل ذکر است که این کد تفسیری تنها در برگزیده یک زیر کد تفسیری است که آن هم نگرش نسبت به مسأله دروغ را می‌سنجد. در این مورد افراد دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی داشتند، گروهی اعتقاد و گروهی عدم اعتقاد به دروغ را بیان می‌کردند.

به عنوان مثال یکی از شرکت‌کنندگان بیان می‌دارد که:

«من خودم سعی می‌کنم اصلاً دروغ نگم، اصلاً نمی‌تونم دروغ بگم، عذاب وجدان می‌گیرم، همیشه راست می‌گم حتی اگه مثلاً موقعیت کاری رو از دست بدم».

از طرف دیگر دانشجویی این گونه پاسخ می‌دهد:

«در جامعه ما همه چی داره با دروغ پیش میره، اگه بخوای زندگی کنی و زندگی تو پیش ببری، حداقل با اون چیزای معمولی باید تو هم دروغ بگی، درست مثل سیلی که تو رو می‌بره».

بعد رفتاری

آداب و احکام

اعتقاد به دروغ نگفتن، در مواردی برخلاف اعتقاد خود عمل می‌کردند. در این خصوص پاسخگویی بیان می‌کند:

«اگه راست چیزی قابل گفتن باشه، می‌گم و گرنه دروغ می‌گم».

و یا مورد دیگری که بیان می‌کند:

«اگه دروغ گفتن زیاد به کسی لطمه نزنه، اشکالی نداره».

عوامل اصلی ایجاد ناهماهنگی

منظور از عوامل اصلی ایجاد ناهماهنگی، عواملی هستند که به بعد ساختاری مرتبط می‌شود در واقع این عوامل عمومی هستند که از حیطة عوامل فردی و تأثیرگذاری محدود خارج است، به عبارت دیگر این‌ها عوامل کلانی هستند که شناخت همه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زیر مقوله‌های این مقوله عبارت‌اند از: رفتار کارشناسان و مبلغان امور دینی، محتوای کتب دینی و آموزش نادرست. پاسخگویی درباره رفتار نامناسب کارشناسان و مبلغان امور دینی بیان می‌کند که:

«سؤالاتی برام پیش می‌اومد که هر وقت از دبیر کتاب دین و زندگی می‌پرسیدم برخوردای بدی داشت، منم از این رفتار زده شدم».

پاسخگویی دیگری می‌گوید:

«اساتید متبحری که بتونه دروس دینی رو خوب تدریس کنه نداریم».

شرکت‌کننده دیگری علت زدگی از این درس را این‌گونه عنوان می‌کند:

«دبیر دین و زندگی ما سر کلاس به سنی‌ها فحش می‌داد».

درباره محتوای کتب دینی و آموزش نادرست شرکت‌کننده‌ای گفت:

«محتوای کتابا نیاز امروز ما رو پاسخ نمی‌ده، سؤالاتی که برام پیش میاد اصلاً جوابشو این کتابا نمی‌ده».

شرکت‌کننده‌ای بیان داشت که:

«وجود تئوری‌های علمی و عقلانی بودن علم سبب

این مقوله به جنبه عملی عبادات که مشتمل بر انجام دستورات دینی و مناسک است، اشاره دارد. این کد تفسیری خود مشتمل بر ۴ زیر کد تفسیری باعنوان: خواندن نماز، روزه گرفتن، تقلید و دعا کردن است. متأسفانه علاوه بر این‌که در این حوزه پابندی زیادی دیده نشده است، مشاهده شده که بسیاری از افراد در این زمینه همچنان با دوگانگی و شک و تردید دست‌به‌گریبان‌اند؛ که علت این‌گونه رفتارها در بخش‌های بعدی به تفصیل بیان خواهد شد از جمله پاسخ‌های عنوان شده در این زمینه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

«به نظرم این‌طور نیست که آدم صبح و ظهر و شب، نماز بخونه، آدم هر وقت احساس کرد می‌تونه رابطه عمیق برقرار کنه باید نماز بخونه»

و یا پاسخگویی دیگری که در زمینه روزه این‌گونه نظر خود را بیان می‌کند:

«خودم رو به قید و بندی که هزاران سال پیش تعیین شده پای‌بند نمی‌کنم»

و یا پاسخگویی دیگری که می‌گوید:

«از نظر اعتقادی برام پذیرفته است اما درباره فایده‌اش و انجامش شک دارم»

و یا در زمینه انجام تقلید پاسخگویی می‌گوید:

«من خودم حکم صادر می‌کنم. سعی می‌کنم کار درست رو خودم انجام بدم. (در مورد دعا نکردن نیاوردم)»

البته قابل ادعان است که در این بخش نیز مانند موارد قبل، افرادی پای‌بند به مناسک نیز مشاهده شدند ولی تعداد آن‌ها زیاد نیست.

رفتارهای اخلاقی

رفتارهای اخلاقی به آن دسته از رفتارهایی اشاره دارد که برخلاف آداب و احکام، نمادین نیست و بیشتر جنبه اخلاقی و انسانی و فردی آن‌ها مورد نظر است. در این پژوهش برای این مقوله زیر کد تفسیری دروغ گفتن در نظر گرفته شده است. در این زمینه نیز با جوانانی برخورد کردیم که علی‌رغم

ضعف اعتقادات دینیم شده از طرف دیگر در زمینه دینی هم ضعف‌هایی در توجیه مسائل داریم». دیگری می‌گوید:

«خیلی دوست دارم شناختم از امام زمان بیشتر بشه اما همه کتابایی که دیدم فقط درباره تاریخ تولد و پدر و مادر و زمان غیبتش است و اطلاعات خوبی بهم ندادن».

یا دانشجوی دیگری که زدگی خود را از دین این‌گونه بیان می‌دارد:

«تو دوره دبیرستانم کتاب‌های مذهبی می‌خوندم، سعی می‌کردم خدا رو بشناسم ولی آخرشم نشناختم و {خدا رو} رهاش کردم».

پاسخگویی دیگر بیان کرد که:

«خانواده من خیلی مذهبی نیستن».

در خصوص اجبار برونی پاسخگویی می‌گوید:

«این‌که دولت متولی شده و مثلاً می‌خواهد اجباری حجاب را گسترش بدهد سبب شده: «افراد لجباز تر بشن و حجابشونو بدتر کنند».

یا دیگری می‌گوید:

«دین زمان پیامبر رو قبول داریم، اون موقع حکمت انجام عبادات رو به مردم می‌گفتن ولی الان می‌گن اجبارا باید این کارا رو انجام بدی، بدون این‌که دلیل شو بدونی».

تحلیل و تفسیر نتایج

در این بررسی مقوله هسته «بازمعنایی مذهب» حاصل ادغام چهار مقوله محوری فوق است. گلیزر (1978) و استروس (1987) هر دو پیشنهاد می‌کنند که یک یا دو مقوله هسته‌ای داشته‌ایم (Urqhart Cathy, 2013:116). در این تحقیق ما مقوله هسته‌ای «بازنمایی مذهب» را یافتیم.

برای تعیین مقوله هسته به معیارهای خاص گزینشی مقوله هسته به شرح زیر توجه شده است:

الف: انتزاعی و کلی است به نحوی که با سایر مقولات بتواند ارتباط معنایی برقرار کند.

ب: قابلیت تحلیل علمی داشته است.

ج: از سوی مشارکت‌کنندگان مورد تأکید و تکرار قرار گرفته‌اند.

د: جریان طبیعی مصاحبه به سمت آن معطوف شده است.

مسئله دین و دین‌داری همواره یکی از مسائل مورد توجه در اکثر جوامع و به‌ویژه ایران اسلامی است. در این پژوهش آنچه به‌عنوان اولین نکته می‌توان مورد نظر داشت، این است که میزان دین‌داری جوانان ایرانی به هیچ‌وجه در وضعیت بحرانی قرار نگرفته و جوانان همچنان به باورهای اساسی دین اعتقاد و باور عمیق دارند. مشارکت‌کننده‌ای در خصوص

عوامل فرعی ایجاد ناهماهنگی

منظور از عوامل فرعی ایجاد ناهماهنگی، عواملی فردی هستند که هر شخصی در زندگی خود با آن مواجه شده و سبب ایجاد ناهماهنگی در زمینه معتقداتش شده است. زیر مقوله‌های این مقوله عبارت‌اند از: پابندی ناقص دیگران، جو خانوادگی و محیطی و اجبار بیرونی.

درباره پای‌بندی ناقص دیگران شرکت‌کننده‌ای بیان می‌کند که:

«چون یه سری رفتار از افراد نمازخون دیدم، به این خاطر {نماز} انجام نمی‌دم، دیگه زده شدم، رفتارهای بد افراد نمازخوان سبب شد بی‌اعتقاد بشم و گرایش پیدا نکنم، چون فکر می‌کنم کسی که نماز می‌خونه و این اعتقادات رو داره، دیگه نباید کار بد کنه».

مشارکت‌کننده دیگری در این باره گفت:

«مسئولینی که الگوی من هستند، بعد خطایی می‌کنند،

سبب دین‌گریزی من میشه».

شرکت‌کننده‌ای پیرامون جو خانوادگی - محیطی می‌گوید:

«قبلنا {دوره دبیرستان} آدم مذهبی بودم، ولی الان کم‌تر، به خاطر جوی که درونش قرار گرفتم، دانشگاه جوش جوری است که سست شدم».

اعتقاد به خدا می‌گوید:

«اگه خدا نباشه زندگی‌ام کاملاً نابود شده و به سرگردانی و حیرت می‌رسم».

توجه به معاد نیز به این نحو بیان می‌شود: «اور به معاد دارم، به نظرم یک کنش و واکنشی است توی این عالم، کوچک‌ترین کار اونجا باهاش برخورد می‌شه، چون اگه غیر این باشه بی‌نظمی، بی‌هنجاری، بی‌قانونی و پوچی همه زندگی رو می‌گیره، پس باید باشه یه چنین نظام‌مندی». آخرین مؤلفه در بعد اعتقادات پایه، باور به امام‌زمان (عج) است که شرکت‌کننده‌ای این‌گونه نظر خود را بیان می‌کند:

«مطمئنم که امام زمان ظهور می‌کنه و انتقام همه بی‌عدالتی‌ها رو می‌گیره».

این‌ها نشان می‌دهد که هم‌چون سایر تحقیقات کمی و کیفی که به بررسی میزان اعتقادات پایه پرداختند، در این زمینه باورهای راسخ و قاطعی وجود دارد. نتایج تحقیقات توسلی و مرشدی (۱۳۸۵) و آهنکوب‌نژاد (۱۳۸۸) نیز گویای تأیید این یافته است. از سوی دیگر همین باورها آن‌ها را از ورطه بحران هویت و معنا نجات بخشیده چراکه در پناه باورهای قوی مذهبی سؤالات اساسی خود را پاسخ می‌دهند و از پوچی‌های می‌یابند.

بر اساس این مقوله به نظر می‌رسد که فرآیند جامعه‌پذیری مذهبی توانسته به نحو فراگیری باور اصیل دین را به نسل جوان منتقل کند، چراکه غالب پاسخ‌گویان اعتقادات راسخی پیرامون اصول دین چون اعتقاد به خدا، پذیرش معاد و باور به امامت (امام زمان (عج)) داشتند. از این نظر می‌توان گفت که جامعه ما توانسته است از حیث درونی کردن این بعد؛ یعنی تعمیق باورها و اعتقادات پایه‌ای و اساسی دین در میان نسل جوان، شایسته عمل کند.

طبق یافته‌های سایر پژوهش‌های مرتبط مانند طالبان (۱۳۷۹)، در بعد مناسکی تغییراتی به وجود آمده است: به عنوان نمونه، دانشجویی بیان می‌کند که:

«نماز نمی‌خونم، قبلاً اعتقاد داشتم ولی الان نه.

چون یه سری رفتار از افراد نمازخون دیدم به این

خاطر انجام نمی‌دم، دیگه از نماز زده شدم»

یا دیگری می‌گوید:

«خیلی وقته نماز نمی‌خونم، درباره‌اش شک دارم،

به این که نماز به درد انسان می‌خوره شک دارم،

حتی این که نماز واجبه هم شک دارم».

دانشجویی در خصوص تقلید می‌گوید:

«اگه اختلاف نظری بین نظر خودم و مرجع تقلیدم

باشه من کار خودمو {عمل به نظر خودم} می‌کنم».

در مورد بعد مناسکی می‌توان گفت که جوانان به سمت

گرایش به دین خصوصی و برخورد گزینشی با دین پیش

می‌روند؛ یعنی در خصوص برخی از جنبه‌های دینی (بعد

مناسکی) به صورت کاملاً سلیقه‌ای عمل می‌کنند مانند گوش

دادن به موسیقی و یا بروز اختلاف نظر با نظر مرجع تقلید.

مسئله دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که

جوانان به دلیل توانمندی‌های ذهنی خود، دین صرفاً تقلیدی

را برنمی‌تابد. او باورهای دینی را که از دوران کودکی

به صورت تقلیدی به او القا شده، کنار می‌زند و درصدد

پذیرفتن دینی است که با تفکر او همخوانی داشته است؛ اما

در اکثر موارد آن‌چه به عنوان دین به او عرضه می‌شود توان

مجاب او را ندارد.

از سوی دیگر، جوان می‌خواهد همه آموزه‌های دینی را

با عقل خود بسنجد. اگر آموزه‌های دینی در قالب‌های فکری

او بگنجد صحیح، وگرنه نادرست است و باید کنار گذاشته

شود. با اتکا به نظریه اینگلهارت می‌توان بیان کرد در صورت

بروز ناهماهنگی بین جهان‌بینی افراد با تجربه روزانه، این

عامل می‌تواند سبب افول دینداری گردد. این عوامل موجب

می‌شود هویت دینی جوان به‌خوبی شکل نگیرد و دچار بحران

شناختی نسبت به این آموزه‌ها شود و برای نجات از این

بحران بعید نیست که دین‌گریزی را در پیش بگیرد. در واقع

این دسته به هر آن‌چه به صورت دین‌داری سنتی است خود را

مقید نمی‌دانند بلکه دین را نیز شاخه معرفتی می‌دانند و در پی

آن هستند که آن را هم در چارچوب و موازین علم درک کنند

و به هر آن‌چه با علم مخالفت دارد به دیده تردید می‌نگرند.

در این مورد، فقه پویا می‌تواند متناسب با نیازها و مقتضیات زمان و جامعه به برخی از ضعف‌های استدلالی خود در مواجهه با این بحران به توجیه اعتقادات افراد کمک کند.

مسئله دیگر پذیرفتن تکثرگرایی در دین است. پاسخگویان عبادت و بندگی را به نوع خاصی محدود نکرده و شیوه‌های گوناگونی را برای دین‌ورزی در نظر می‌گیرند، درواقع آن‌ها تمایلی ندارند که به نوع خاصی از آداب و احکام، تقید داشته‌اند، نتایج تحقیق توسلی و مرشدی (۱۳۸۵) نیز بر رواج تکثرگرایی دینی در بین جوانان تأکید دارد.

بر اساس این پژوهش، ناسازگار بودن قول و عمل مدعیان نیز عامل دیگری است که به گزینش دین سلیقه‌ای در میان جوانان منجر شده است. از آن‌جا که جوان در بینش مذهبی به شناخت و باور عمیق و ریشه‌ای دست نیافته است، هرگونه کوتاهی و نقصان از جانب مدعیان مذهبی را به حساب دین و مذهب آنان گذاشته و سعی می‌کند با فاصله گرفتن از مذهب، نفرت خود را نسبت به رفتارهای نادرست و غیراخلاقی این طیف جامعه بیان کند. از همین روست که گفته می‌شود لغزش الگو و کسی که به‌عنوان منادی دین مطرح است خطرناک‌ترین مسئله برای دین‌ورزی نسل جوان است.

در مورد مقطع زمانی که افراد دچار ناهماهنگی می‌شوند، باید خاطر نشان کرد که در سنین ۱۵-۱۸ سالگی؛ یعنی سال‌های مقطع متوسطه، افراد با سؤالات و شک و تردیدهایی در اعتقادات دینی خود مواجه و بر آن می‌شوند که پاسخ سؤالات و ابهامات خود را بیابند اما متأسفانه با سرخوردگی بیشتری مواجه می‌شوند. در نتیجه، ضعف افرادی که در جامعه به‌عنوان کارشناس یا مبلغ دین شناخته شده‌اند، یکی دیگر از علل دین‌گریزی جوانان به شمار می‌آید. این افراد با رفتارهای نامناسب و ضعف و نارسایی در آگاهی خود نه تنها نتوانسته‌اند به ابهامات نسل جوان پاسخ دهند بلکه دافعه آنان سبب دین‌گریزی عده‌ای و سرگردان ماندن عده‌ای دیگر

می‌شود.

کتاب دینی ما هم چه آن دسته که با عنوان دروس عمومی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند و چه کتبی که در بازار کتاب به فروش می‌رسند، متناسب با شبهات و سؤالات نسل جدید نیست. موضوعات تکراری و قدیمی، سطحی‌نگری و عدم رعایت بی‌طرفی در استدلال‌ها سبب شده که این منابع فکری عملاً کارایی خود را در پرورش و تربیت این نسل از دست دهد. به‌علاوه در بیشتر کتب درسی و غیردرسی در حوزه دین، بیشتر بر بعد عاطفی و احساسی آن تأکید شده تا جنبه‌های منطقی و عقلانی و این موضوع سبب شده که جوان به موضوع دین صرفاً به‌عنوان مسئله‌ای حاشیه‌ای بنگرد.

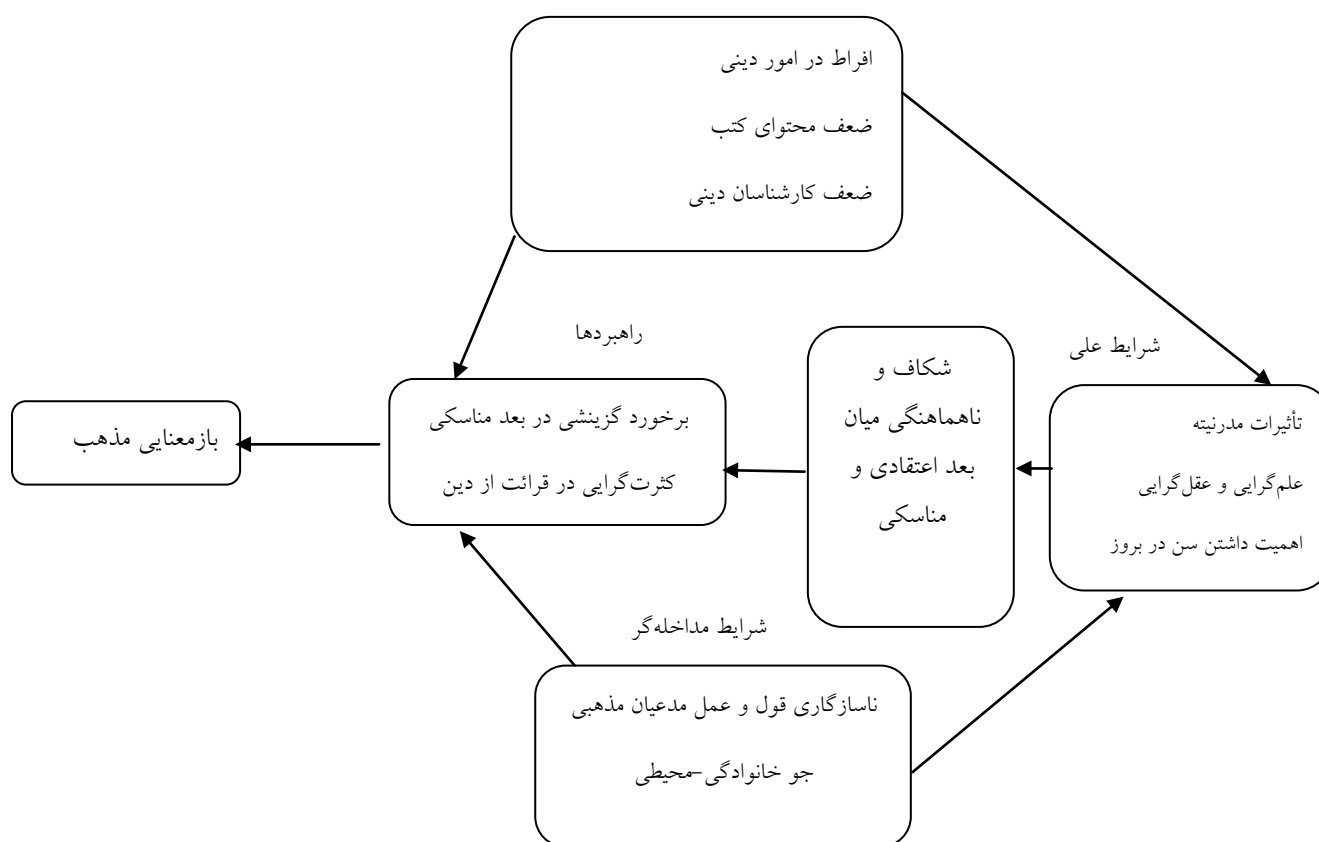
بر اساس نظر فستینگر که شناخت‌های ناهماهنگ بر این پیش فرض استوار است که شناخت‌های گوناگون در مورد یک موضوع ممکن است به حالتی از ناهماهنگی و ناسازگاری در فرد منتهی شود، شرکت‌کنندگان این پژوهش را به دو گروه تقسیم کرد:

گروه اول افرادی هستند که در بعد نگرشی (اعتقادات مناسکی و اخلاقی) دارای انسجام فکری نیست و در هر یک از حوزه‌ها با تنش درونی دست به‌گریبان هستند.

گروه دوم افرادی هستند که در هر یک از حوزه‌های نگرشی دارای انسجام و هماهنگی فکری هستند ولی بعد نگرشی و رفتاری آنان باهم سازگاری و همخوانی ندارد.

اما در زمینه رویکرد اتخاذ شده توسط دانشجویان مورد بررسی نیز می‌توان سه گروه را در نظر داشت:

کسانی که بعد از آشنایی به وجود آمده، با تحقیق و پژوهش به شناخت متقنی درباره مذهب خود رسیده‌اند؛ ۲- افرادی که دچار ناهماهنگی است و همچنان نتوانسته‌اند بر این ناهماهنگی غلبه کنند و ۳- کسانی که برای رهایی از این تنش درونی، بعد نگرشی خود را تغییر داده و به نحوی به مذهب پشت پا زده‌اند.



نمودار ۱- الگو و مدل پارادایمی تحقیق درباره بازمعنایی مذهب

در انجام پژوهش، برخی محدودیت‌ها، دشواری‌هایی ایجاد کردند که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود. برخی موانع و مشکلات، مربوط به ماهیت موضوع انتخاب شده‌اند و برخی مشکلات عمومی حوزه پژوهش در ایران را بازتاب می‌دادند. رفع این موانع می‌تواند به انجام پژوهش‌های بهتر در آینده کمک کند. امید است با رفع این نوع موانع پژوهشگران بعدی در موارد مشابه با دشواری‌های کم‌تری روبه‌رو شوند.

ماهیت موضوع

تعامل با موضوع دین و نگرش و باورهای افراد در خصوص آن به دلیل حساسیت‌های آن از دشوارترین بخش‌های پژوهش است. این دشواری، زمان گردآوری داده‌ها و به سرانجام رساندن پژوهش را کمی طولانی کرد، اما در نهایت با ایجاد

تحقیق حاضر با به کارگیری رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی سعی داشته است که از رویکرد دانشجویان درگیر به شرایط، فرایند / تعاملات و پیامدهای جهت‌گیری نسبت به ناهماهنگی شناختی در خصوص مذهب بپردازد. با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، مدل یا الگوی موقعیتی، خاص، استقرایی از درک مشارکت‌کنندگان به دست داده شد. این الگو در واقع بازتاب ارزیابی و فهم مشارکت‌کنندگان از جهت‌گیری در خصوص شکاف نظر و عمل در مورد مذهب است. در این‌جا محقق، بر اساس منطق روش‌شناسی کیفی تنها ابزاری برای استخراج و دسته‌بندی آن چیزی است که در میدان مطالعه در حال رخ دادن است.

مشکلات و موانع پژوهش

تنوع در منابع گردآوری داده‌ها و وارد شدن به مسیرهای جدید، نتیجه مطلوب حاصل شد.

دسترسی به منابع علمی

دسترسی به قسمتی از منابع علمی مورد نیاز برای انجام پژوهش، اعم از برخی کتاب‌ها و مقالات به سختی امکان‌پذیر شد. بداهت موضوع و نوع روش استفاده شده برای آن از عواملی است که دسترسی به منابع را دشوار می‌کرد به گونه‌ای که در برخی مواقع درباره آن متنی به فارسی موجود نیست.

پیشنهادات تحقیق

در طول اجرای تحقیق حاضر نتایج آموزنده و جالبی به دست آمد، بنابراین پیشنهاد می‌گردد:

۱. برای سنجش بازمعنایی دین و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن، بهتر است که آن را در سطوح مختلف روستایی، شهری و ملی انجام داد تا بتوان به مقایسه این عوامل در لایه‌های مختلف جامعه پرداخت.
۲. در این تحقیق چند عامل انتخاب و مورد مصاحبه و بررسی واقع شد، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده به دیگر عوامل نیز پرداخته شود تا ظرف چند سال آینده بتوان دید جامع و سیستمی از دین و عوامل مؤثر بر اقبال یا کناره‌گیری از آن و نگرش افراد به آن را به دست آورد.
۳. استفاده از تئوری‌هایی که بسیار نزدیک به جامعه ما و خصوصاً بافت فرهنگی خاص ما است، راهکار موثرتری است.
۴. تکرار این پژوهش در مقاطع و زمان‌های گوناگون خصوصاً بعد از هر تحول و تغییر اجتماعی، به منظور بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر بازمعنایی دین.

منابع

احمدی، ح. (۱۳۸۷). *روان‌شناسی اجتماعی*، شیراز: نشر دانشگاه شیراز.

آرون، ر. (۱۳۸۶). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.

استربرگ، ک. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی*، ترجمه: احمد پوراحمد، علی شمعی، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.

استروس، آ. و کوربین، ج. (۱۳۸۹). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

امیری، س. و اصغرپور ماسوله، ا. (۱۳۹۳). «ظهور دین‌داری گزینشی در دختران جوان، یک بررسی کیفی در شهر مشهد»، *همایش ملی فرهنگ و تکنولوژی*، ش: CT-۱۱۳۸.

اینگلهارت، ر. (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه: مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.

بلیکی، ن. (۱۳۸۴). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

بوستانی، د. و محمدپور، ا. (۱۳۸۸). «بازسازی معنایی جهت‌گیری جنسیتی پسران نسبت به دختران»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۱، ش ۴۴، ص ۱۴۲-۱۷۲.

توسلی، غ. و مرشدی، ا. (۱۳۸۵). «بررسی سطح دین‌داری و گرایش‌های دینی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، ش ۴، ص ۹۶-۱۱۸.

جمشیدیها، غ.؛ عنبری، م. و محمدی، م. (۱۳۹۳). «بررسی ارتباط کیفیت زندگی با تغییرات دین‌داری دانشجویان»، *نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۴، ش ۱، ص ۱-۱۹.

سراج‌زاده، ح. (۱۳۷۵). *بررسی رابطه دین‌داری و بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران*، تهران: اداره

- Youth and Adolescence*, 26(1):1-11.
- Hilton, S. (2000) *Suicide Rates and Religious Commitment in Young Adult Males in Utah*. Brigham Young University.
- Hood, Ralph W. Jr. (1980) *Forms of religious commitment and intense religious experience*, In John R. Tisdale (Ed.), *Growing Edges in the Psychology of Religion*, Chicago: Nelso-Hall, p. 219-226.
- Hurka, Slavek J. (1980) "Business Administration Students in Five Canadian Universitie: Astudy of Value", *The Canadian Journal of Higher Education*. 1: 83-93.
- Inglehart, Ronald; Abramson, Paul R. (1994) "Economic Security and Value Change", *The American Political Review*, 88(2):336-354.
- Joshua, A. Hicks, Laura, A. King. (2007) *Religious commitment and positive mood as information about meaning in life*, University of Missouri, Columbia
- Pilkington, G. W. Pamela, K. (1965) "Changes In Religious Attitude And Practices Among Students During University Degree Courses", *British Journal of Educational Psychology*, 35(2):150-157.
- Sterling, C. Hilton, Gilbert W. Fellingham, Joseph L.Lyon. (2002) "Suicide Rates and Religious Commitment in Young Adult Males in Utah", *American Journal Epidemiolpgy*, 155(5):413-419.
- Urquhart, Cathy. (2013) *Grounded Theory for Qualitative Research : Practical Guide*, U.K:Sage publication
- Weiss Ozorak, Elizabeth. (1989) "Social and Cognitive Influences on the Development of Religious Beliefs and Commitment in Adolescence", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 28(4): 448-463.
- کل آموزش و پرورش استان تهران.
- طالبان، م. (۱۳۷۹). بررسی تجربی دین‌داری نوجوانان کشور، گزارش پژوهشی؛ معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- فلیک، ا. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی
- محمدپور، ا. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ و ۲، تهران: نشر جامعه شناسان.
- مهدی‌زاده، م. (۱۳۸۵). «رهیافتی انتقادی به فرهنگ و جامعه نو»، فصلنامه رسانه، ش ۱، ص ۲۲-۳۵.
- میردریکوندی، ر. (۱۳۸۲). «رابطه شخصیت با نظام‌های ارزشی از دیدگاه آلپورت (با نگاهی ویژه به ارزش دینی)»، نشریه معرفت، ش ۶۴، ص ۷۶-۸۲.
- نوابخش، م.؛ پوریوسفی، ح. و میرآخوری، م. (۱۳۸۸). «بررسی میزان پایبندی مذهبی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش ۳، ص ۶۱-۹۱.
- نوربخش، ی.؛ طالبیان، ح. و مولایی، م. (۱۳۹۳). «رابطه متغیرهای دانشگاهی و نگرش دانشجویان به دین»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۳، ش ۱، ص ۳۳-۶۰.
- Corbin Juliet & Anselm Strauss (2008) *Basics of Qualitative Research :Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*;U.K:sage publications
- Fulton, Aubyn. S. (1997) "Identity status, Religious-Orientation and Prejudice". *Journal of*